

منارعه قدرت‌ها

● محمد حسن نیا

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران



- ایران و جنگ جهانی اول میدان نبرد قدرت‌های بزرگ
- گردآوری و تألیف: تورج اتابکی
- ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه
- تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۷، تعداد صفحات: ۳۰۸

جنگ جهانی اول در اوت ۱۹۱۴ در اروپا آغاز شد. آغاز این جنگ و پیامدهای آن از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی قرن بیستم در سراسر جهان است. این جنگ بر کشوری مانند ایران نیز که از صحنه‌ی نبردها دور بود، تأثیراتی داشت. جنگ بر فشار خارجی در ایران افزود و سبب شد اختلافات دیرینه در عرصه‌ی سیاست ایران گسترش یابد. حکومت مرکزی ایران چنان دچار اختلاف و چنددستگی بود که دولت‌های مختلف بر سر کار می‌آمدند و بیش از چند ماه دوام نمی‌آوردند. احمد شاه قاجار، که به تازگی تاجگذاری کرده بود، در اول نوامبر ۱۹۱۴ / دهم آبان ۱۲۹۳ بی‌طرفی ایران را اعلام کرد، اما این اعلام بی‌طرفی از طرف انگلیس و روسیه نادیده گرفته شد. احساسات ضدروسی و ضدانگلیسی در ایران تقویت شد و سبب گرایش احزاب سیاسی ایران به آلمان گردید. کتاب حاضر، که در حقیقت مجموعه مقالاتی از نویسندگان مختلف است، به بررسی شرایط ایران در جنگ جهانی اول پرداخته است.

کتاب شامل معرفی مؤلفان، سپاسگزاری، هشت فصل مطلب، یادداشت‌ها و نمایه است. معرفی مؤلفان کتاب با بررسی سوابق پژوهشی تورج اتابکی مؤلف کتاب آغاز می‌شود. تورج اتابکی دارای کرسی تاریخ اجتماعی خاورمیانه و آسیای مرکزی در دانشگاه لیدن و پژوهشگر ارشد مؤسسه‌ی بین‌المللی تاریخ اجتماعی آمستردام است. از جمله کتاب‌های او آذربایجان قومیت و مبارزه بر سر قدرت در ایران، (لندن: آی‌بی، تائوریس، ۱۹۹۳) و «فراسوی ماهیت‌گرایی، خاورمیانه و آسیای مرکزی چه کسی گذشته چه کسی را می‌نویسد؟» (آمستردام؛ اکسانت، ۲۰۰۳)

مؤلف بعدی اولیور باست، مدرس تاریخ ایران و خاورمیانه‌ی معاصر در دانشگاه منچستر است. او در پژوهش به تاریخ دیپلماتیک و سیاسی ایران اواخر دوره‌ی قاجار و دوران پهلوی و همچنین مسائل مربوط به تاریخ‌نگاری و خاطرات فرهنگی در ایران معاصر توجه و دلبستگی خاصی دارد. از جمله آثار اوست: مقاله‌ی «رفع ابهام سیاست خارجی و وثوق‌الدوله در ۹۸-۱۲۹۷» در کتاب مردان نظم [تجدد آمرانه، تورج اتابکی، تهران ققنوس، ۱۳۸۵].

مارتین فان بروئینسن از دیگر مؤلفان این کتاب است. وی مردم‌شناس و تاریخ‌دانی است که تجربه‌ی بسیار در پژوهش‌های میدانی دارد.



اقتصاد سیاسی ایران است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «تاریخ و سیاست ایران» دیالکتیک دولت و جامعه (لندن و نیویورک: راتلج کورتزن، ۲۰۰۳)، «اقتصاد سیاسی ایران معاصر» (لندن و نیویورک: مک‌میلان و انتشارات دانشگاه نیویورک، ۱۹۸۱) اشاره کرد.^۱

هر فصل از کتاب، در واقع مقاله‌ای از یکی از نویسندگان فوق‌الذکر است. **فصل اول** مقاله دکتر تورج اتابکی در مورد جنگ جهانی اول، رقابت قدرت‌های بزرگ و شکل‌گیری جامعه سیاسی در ایران است. مؤلف در ابتدای فصل عنوان می‌کند که سقوط امپراتوری‌های اتریش - مجارستان، عثمانی و روسیه و از پی آن ظهور جمهوری اتریش، پادشاهی مجارستان، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری کمالیستی در ترکیه از جمله مهم‌ترین پیامدهای این جنگ بود. وی، در ادامه، به قرارداد ۱۹۰۷ و تأثیر آن بر جامعه ایران و اعلام بی‌طرفی اکید ایران در فرمان دهم آبان ۱۲۹۳ (اول نوامبر ۱۹۱۴) می‌پردازد و عنوان می‌کند که در نتیجه‌ی احساسات ضدروسی و ضدانگلیسی برخی از دموکرات‌های مجلس سوم در پی اتحاد با آلمان برآمدند و سی نماینده دموکرات به‌همراه چند روزنامه‌نگار و عده‌ای از سیاستمداران بانفوذ اعتدالی، «راهپیمایی طولانی» خود را آغاز کردند، نخست در قم توقف کردند و در آن‌جا کمیته دفاع ملی را تشکیل دادند و سپس به کاشان عقب نشستند و سرانجام در کرمانشاه مستقر شدند و در آن‌جا «دولت موقت ایران» را تشکیل دادند. دولت موقت به‌عنوان تنها دولت قانونی ایران مورد شناسایی رسمی دولت‌های محور قرار گرفت، اما نتوانست در برابر فشارهای فزاینده‌ی بریتانیایی‌ها مقاومت کند. در سال ۱۲۹۵ (۱۹۱۶) کرمانشاه به دست نیروهای روسی سقوط کرد

پژوهش‌های وی در مناطق مختلف کردستان و نیز اندونزی بوده است. بروینسن دارای کرسی ISIM در مطالعه‌ی تطبیقی جوامع مسلمان معاصر، در دانشگاه اوترخت است. از جمله آثار اوست: کتاب «آقا، شیخ و دولت؛ ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان (لندن: نشر زد، ۱۹۹۲).

مؤلف دیگر **استفانی کرونین**، پژوهشگر تاریخ ایران در دانشگاه نورثمپتن است. او در زمینه‌ی مطالعات ایران معاصر تألیفاتی دارد که از جمله می‌توان به کتاب «ارتش و پیدایش حکومت پهلوی در ایران، ۱۳۰۴-۱۲۸۹ (لندن: آی.بی. تائوریس، ۱۹۹۷) اشاره کرد.

پژمان دیلمی، دانش‌آموخته‌ی دانشگاه منچستر است که پژوهش‌های چندی در تأثیر انقلاب روسیه بر ایران و دیپلماسی سال‌های آغازین اتحاد جماهیر شوروی در شرق دارد که به صورت مقالاتی منتشر شده‌اند.

مؤلف دیگر این مجموعه، دکتر **منصوره اتحادیه** دانش‌آموخته‌ی دانشگاه ادینبورگ و مدرس دانشگاه تهران (تا سال ۱۳۷۹) است. دکتر اتحادیه تحقیقات فراوانی در تاریخ دوره‌ی قاجار و اسناد این دوره دارد. از جمله آثار اوست: کتاب‌های «پیدایش و تحول احزاب ساسی مشروطیت (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۱)، «مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۱).

آخرین مؤلف این مجموعه دکتر **محمدعلی همایون کاتوزیان**، عالم اجتماعی، تاریخ‌دان، منتقد ادبی و شاعر است. وی پژوهشگر عضو کالج سن آنتونی و عضو دانشکده‌ی مطالعات شرق‌شناس دانشگاه اکسفورد، عضو افتخاری دانشکده علوم سیاسی دانشگاه اکستر و سردبیر نشریه‌ی مطالعات ایران است. نامبرده دارای تألیفات بسیاری در زمینه‌ی تاریخ و

دولت موقت همه وظایف یک دولت ملی را انجام می‌داد و قوانینی را که پیش‌تر مجلس سوم تصویب کرده بود به اجرا درآورد. هدف اصلی دولت موقت ایجاد یک حکومت دموکراتیک مدرن و قابل قبول بود که تا حدی به این موفقیت دست یافت

منازعه قدرت‌ها

روس‌ها به چالش برمی‌خواست آن‌ها هم‌چنین می‌خواستند در شرق بر آلمانی‌ها تقدم داشته باشند.^۵ مؤلف در ادامه به بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول و عدم رعایت این بی‌طرفی از جانب دول متفق اشاره می‌کند و سپس به تشکیل دولت موقت؛ آغاز مهاجرت نمایندگان؛ تشکیل کمیته‌ی دفاع ملی به ریاست سلیمان میرزا و پشتیبانی آلمانی‌ها؛ به دست گرفتن رهبری مهاجرت توسط نظام‌السلطنه، حرکت مهاجرین به کرمانشاه و قصر شیرین و نقش آلمان در مساعدت یا عدم مساعدت دولت موقت می‌پردازد.^۶ مباحثاتی که در مورد دولت موقت بین اعضای کابینه و نمایندگان مجلس صورت گرفت؛ عقب‌نشینی مهاجرین به عراق؛ برتری نقش و موقعیت ترک‌ها در کابینه دولت موقت؛ قرارداد منعقد شده بین ایرانیان، ترک‌ها و آلمانی‌ها در مدت اقامت مهاجرین در عراق؛ اقامت شش ماهه مهاجرین در عراق، اقامت دوم مهاجرین در کرمانشاه که هفت‌ماه طول کشید و معرفی وزرای کابینه از دیگر مطالب آورده شده در این فصل از کتاب است.^۷ هم‌چنین عنوان می‌کند که دولت موقت همه وظایف یک دولت ملی را انجام می‌داد و قوانینی را که پیش‌تر مجلس سوم تصویب کرده بود، نظیر قانون مطبوعات و قانون تجارت تریاک به اجرا درآورد. هدف اصلی دولت موقت ایجاد یک حکومت دموکراتیک مدرن و قابل قبول بود که با وجود مشکلات مالی بسیار تا حدی به این موفقیت دست یافت. مذاکراتی در مورد تأسیس یک بانک ملی واگذاری امتیاز راه‌آهن نیز در میان بود، اما این‌ها در فهرست آرزوها باقی ماند. در عرصه امور داخلی کابینه همچون دولت قانونی کشور عمل می‌کرد. مالیات می‌گرفت، به تنظیم بودجه و تعیین حقوق هر والی یا مستخدمی پرداخت والی‌ها را منسوب می‌کرد. کابینه به مسائل مربوط به بهداشت، آموزش، پست و جاده‌ها نیز می‌پرداخت و عدالت را به اجرا درمی‌آورد و دشوارترین مسائلی که دولت موقت در امور داخلی با آن مواجه بود، مشکلات مالی بود.^۸ رابطه‌ی دولت موقت با ترک‌ها و تبعات مثبت و منفی آن و رابطه‌ی دولت موقت با آلمانی‌ها و ناکامی‌هایی که به دنبال این ارتباط به وجود آمد، از دیگر مباحث مطرح شده در این فصل است. در پایان فصل تحت عنوان نتیجه‌گیری، مؤلف عنوان می‌کند که مهاجرت ملیون در جریان جنگ جهانی اول را می‌توان آخرین جلوه‌ی نمود انقلاب مشروطیت دانست که همچون این مورد، مردم علیه حکومت خودشان به پا خاستند و برای کسب آزادی و استقلال مبارزه کردند. اما تفاوت در این بود که سرنوشته

و عمر دولت موقت به پایان رسید.^۹ مؤلف، سپس، به تأثیر انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بر جامعه‌ی ایران و عثمانی و نقش پان‌عثمانیسم، پان‌اسلامیسم و تأثیر آن در محیط سیاسی ایران و خاورمیانه می‌پردازد و عنوان می‌کند با شروع جنگ جهانی اول در گفتمان سیاسی رایج ایران، رشد تدریجی میهن‌پرستی و ملی‌گرایی قابل مشاهده بود. شکل‌گیری این ملی‌گرایی، از سیاست‌های الحاق‌طلبانه‌ی قدرت‌های بزرگ ناشی می‌شد که تمامیت ارضی کشور را تهدید می‌کردند. از نظر بسیاری از ایرانیان تضمین یکپارچگی ارضی، نخستین گام ضروری در مسیر برقراری حکومت قانون در جامعه و تشکیل حکومت مدرن کارآمد بود که از حقوق جمعی و فردی حراست کند.^{۱۰} سال‌ها پیش از آن که رضاشاه به قدرت برسد، طرح کلی اصلاحات و تغییراتی که او در سراسر کشور به عمل آورد، موجود بود. مؤلف در پایان، عنوان می‌کند فرایند مدرن‌سازی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، ناکامی‌هایی که جنبش مشروطه ایران در سال‌های پیش از شروع جنگ جهانی اول متحمل شد و شروع جنگ جهانی اول، اکثریت گسترده جمعیت شهری، به‌ویژه طبقات میانی و روشنفکران را به پذیرش حکومتی متمرکز و مقتدر سوق داد. اگر در دوره‌ی نخستین مشروطه‌خواهی، مساوات‌طلبی، کثرت‌گرایی سیاسی و ملی‌گرایی رمانتیک الهام‌بخش روشنفکران نوبا در تلاش برای آغاز تغییر و اصلاح بود، اینک برای نسل جدید روشنفکران، که بنای حکومت مدرن و متمرکز پیش‌تر ذهنشان را مشغول می‌کرد، اقتدارگرایی سیاسی، نیروی محرک ضروری برای تحقق آرزوهایشان بود.^{۱۱}

فصل دوم کتاب مقاله دکتر منصوره اتحادیه در مورد دولت موقت ایران است، مؤلف در ابتدای فصل عنوان می‌کند که جنگ‌های جهانی اول در اوت ۱۹۱۴ در اروپا آغاز شد. سه ماه بعد ترکیه عثمانی به طرفداری از آلمان و اتریش وارد جنگ شد. بی‌شک این گام بود که آلمان را به نگاه شرق واداشت. استراتژی جنگی آلمان رسیدن به هندوستان و افغانستان و برانگیختن شورش علیه حاکمیت بریتانیا در آن جا بود. مأموران آلمانی برای این منظور دست به تحریکاتی در ایران زدند و شش ماه پس از آغاز جنگ مشغول توزیع اسلحه و پخش دعای ضدانگلیسی و ضدروسی در میان ایلات غرب ایران شدند. هدف ترک‌ها در ایران با هدف‌های آلمانی مطابقت نداشت. آن‌ها قصد داشتند قیامی را زیر پرچم اسلام برپا کنند که سرانجام به افغانستان و هندوستان راه می‌گشود و با بریتانیایی‌ها و

انقلاب مشروطه دو نهاد مجلس و ژاندارمری دولتی را به وجود آورد که نه تنها در سرتاسر این دوره باقی ماندند بلکه با ثبات بخشیدن به فعالیت سیاسی رادیکال و تأمین یک کانون و ابزار برای آن، در مبارزه ملی نیز نقش مهمی ایفا کردند

دیدگاه دولتمردان عثمانی در جنگ جهانی اول سخن به میان می‌آورد.^{۱۰} وی عنوان می‌کند که انورپاشا در سال ۱۹۱۳ یکی از دستگاه‌های اطلاعاتی عثمانی را به نام «تشکیلات مخصوصه» تحت سرپرستی خود گسترش داد که منظور از آن تحقق بخشیدن به رؤیای دیرینه‌اش در مورد شکل دادن به یک موطن ترکی بزرگ‌تر به نام توران بود. «تشکیلات مخصوصه» در ابتدا با این هدف ایجاد شده بود که پس از یک رشته شکست‌های نظامی عثمانی در بالکان، جنگ چریکی را سازماندهی کند و با آنچه انورپاشا تهدید دوگانه نسبت به امنیت حکومت عثمانی می‌دانست، یعنی جنبش‌های بومی جدایی‌خواه و تجار اروپایی، مقابله کند. گرچه شالوده‌ی ایدئولوژیک و سیاست‌هایی که قرار بود این تشکیلات از پیش ببرد به وضوح مشخص نشده بود، اما بر مفاهیم پان‌اسلامیستی و پان‌ترکیستی استوار بود، هرچند مأمورانش همانند مقامات دولتی مسئول آن به طرفداری از مفهوم سنتی عثمانیگری تظاهر می‌کردند و زمانی که امپراتوری عثمانی وارد جنگ جهانی اول شد، وظیفه‌ی تشکیلات مخصوصه روزآمد شد. به جای این که یک گروه کوچک مخفی متصل به شخص انورپاشا باشد، از نو سازماندهی شد و در درون وزارت جنگ جایگاه رسمی و نیمه مخفی یافت، اما زیر نظارت مستقیم انور پاشا باقی ماند. اینک افزون بر فعالیت‌های عادی، گردآوری اطلاعات جاسوسی و ضدجاسوسی، برای به‌راه انداختن کارزار گسترده‌ی تبلیغات پان‌اسلامیستی و پان‌ترکیستی با هدف بسیج ترک‌ها و سایر مسلمانان علیه متفقین نیز آماده بود.^{۱۱} ناکارآمدی تشکیلات؛ رقابت بین سازمان‌های اطلاعاتی عثمانی با یکدیگر؛ تبلیغات تشکیلات مخصوصه در مناطق قفقاز؛ ستاد مرکزی تشکیلات مخصوصه در تهران و کارکرد آن به ریاست عمر فوزی؛ برقراری ارتباط تشکیلات مخصوصه با میرزا کوچک‌خان جنگلی؛ تبلیغات تشکیلات مخصوصه در بین ترکمن‌ها؛ فعالیت تشکیلات مخصوصه در هرات و عدم توانایی تشکیلات مخصوصه برای ایجاد شبکه‌ای در آذربایجان تا قبل از ۱۹۱۸ میلادی، از دیگر مباحث مطرح شده در این فصل از کتاب است.^{۱۲} همچنین نویسنده در این فصل عنوان می‌کند که عثمانی‌ها در سی‌ام سپتامبر در جبهه‌های غرب ناگزیر از تسلیم به نیروهای بلغاری شدند. کمی بعد دولت در «اتحاد و ترقی» سکوت کرد و دولت جدید عزت پاشا در ۳۱ اکتبر قرارداد آتش‌بس با متفقین امضا کرد. تا این زمان فعالیت‌های تشکیلات مخصوصه متوقف شده بود. از آن پس، به دستور سلطان محمد ششم که ضد اتحاد و ترقی

مهاجرت با پیامد جنگی پیوند داشت که بسیار دور از ایران در جریان بود. آن‌ها به ترک‌ها و آلمانی‌ها که موضوع ایران برایشان اهمیت ثانوی داشت، اتکا کردند. همان‌طور که اشاره رفت، کابینه را مشکلات بسیاری احاطه کرده بود که غلبه بر آن‌ها ناممکن بود. البته نداشتن هدف روشن نیز در ناکامی آن‌ها نقش داشت. آن‌ها مهاجرتی را آغاز کردند که از مرکز واقعی چالش و رقابت سیاسی و جایی که روس‌ها و انگلیسی‌ها حکومت را بدون رقیب زیر نفوذ خود داشتند، دورشان کرد.^{۱۳}

فصل سوم، مقاله‌ی دیگری است از تورج اتابکی با عنوان پیش به سوی شرق: فعالیت‌های دستگاه اطلاعاتی عثمانی در ایران. مؤلف در ابتدای فصل به پیش‌زمینه‌ی ورود عثمانی به جنگ جهانی اول و اتحادش با آلمان و عقد پیمانی سرّی در دوم اوت ۱۹۱۴ می‌پردازد و از اختلاف



کمی پیش از جنگ جهانی اول؛ کشور چه در مرکز و چه در ولایات گرفتار آشوب و هرج و مرج بود. برجستگان سیاسی و اکثر مردم، بر این نظر بودند که تا یک دولت مقتدر اصلاح‌گر در مرکز سرکار نیاید کشور با خطر جدی چندپارگی روبه‌روست

منازعه قدرت‌ها

بود این تشکیلات رسماً منحل شد و در مجموع تشکیلات مخصوصه در طول سال‌های فعالیتش نتوانست شبکه‌ای مطمئن و کارآمد از مأموران در ایران یا مرزهای جنوبی روسیه تشکیل دهد. مأمورانش را بدون طرح و برنامه منظم به نواحی مختلف اعزام می‌کرد و در نتیجه حتی نمی‌توانست نیازهای اساسی لجستیکی آن را برآورد سازد.^{۱۳}

فصل چهارم کتاب، مقاله‌ی استنفانی کرونین در مورد ملی‌گرایی ایرانی و ژاندارمری دولتی است. نویسنده در ابتدای فصل عنوان می‌کند که ژاندارمری دولتی در پیشبرد فعالیت ملی‌گرایی در ایران، که در سال‌های جنگ جهانی اول صورت پذیرفت، سهم به‌سزایی داشته است. از آن گذشته، تجربه‌های آن طی این سال‌ها ژاندارمری را دگرگون ساخت. افسران ژاندارمری با مشارکتشان در «مهاجرت» به جایگاه رهبران ملی راه یافتند و در صف مقدم مبارزه با مداخله خارجی قرار گرفتند و از ۱۹۱۷ این نیرو توانست در راهبردهای گوناگون داخلی و خارجی نقشی محوری ایفا کند و برای خاتمه‌دادن به آشفتگی و فروپاشی سیاسی شتابناک ایران پیشگام شود.^{۱۴} مؤلف در ادامه فصل به شکل‌گیری و تأسیس ژاندارمری توسط مجلس دوم در سال ۱۲۸۹/۱۹۱۰؛ تفکر استفاده از فرماندهان سوئدی ژاندارمری؛ ارتباط بین مورگان شوستر و ژاندارمری؛ حمایت‌های مالی و سیاسی انگلیس از ژاندارمری تا قبل از جنگ جهانی اول؛ نقش قرارداد ۱۹۰۷ در فعالیت‌های ژاندارمری در ایران؛ نقش افسران ایرانی ژاندارمری؛ تأثیر جنگ جهانی اول بر ژاندارمری؛ قطع روابط ژاندارمری با انگلیس در ماه‌های نخست جنگ جهانی اول؛ نقش آلمان در تکوین ژاندارمری در سال‌های جنگ جهانی اول و گرایش ملی‌گرایان ایرانی به آلمان؛ گرایش افسران سوئدی و ژاندارمری به آلمان‌ها؛ کمک‌های مالی آلمان به ژاندارمری ایران؛ نقش ژاندارمری در دولت موقت؛ کودتای ملی‌گرایان با سازماندهی ژاندارمری در شیراز و کنترل این شهر در سال ۱۹۱۵ میلادی؛ اختلافات قوام‌الملک با ژاندارمری در شیراز؛ ادغام ژاندارمری فارس در اواخر ۱۹۱۶ توسط سرپرستی سایکس در نیروی «تفنگداران جنوب ایران»؛ بازسازی ژاندارمری دولتی که از برنامه‌های کابینه وثوق‌الدوله در ۱۹۱۸ بوده است و تأسیس مدارس ژاندارمری در اوایل سال ۱۹۲۰ میلادی، اواخر ۱۲۹۸ شمسی می‌پردازد^{۱۵} و عنوان می‌کند که ژاندارمری در سال‌های پس از تجدید سازمان ۱۲۹۶/۱۹۱۷ تا کودتا بدون تردید مهم‌ترین نیروی نظامی ایران بود و به تلاش دولت برای جلوگیری از

گرایش‌های مرکز‌گرای که جنگ جهانی اول به طرز خطرناکی به آن دامن زده بود و تثبیت مجدد اقتدارش در سرتاسر کشور باری می‌رساند. ژاندارمری در عملیات نظامی علیه جنگلی‌ها و بلشویک‌ها در گیلان و علیه شورش کردها به سرکردگی اسماعیل آقاسیمکو در آذربایجان، گاهی با لشکر قزاق مشارکت داشت و به‌وظایف سنتی‌اش در نگرانی از جاده‌ها و سرکوب راهزنان نیز می‌پرداخت. اهمیت سیاسی ژاندارمری بیش از نقش نظامی آن بود و در راهبرد مهم اتخاذ شده برای جلوگیری از فروپاشی سیاسی و تجزیه کشور و بازسازی و مدرن‌سازی دولت ایران جایگاهی محوری داشت و در سال‌های ۲۱-۱۹۱۸ رابطه همزیستی بین ژاندارم‌ها و جنبش ملی‌گرا ادامه یافت.^{۱۶} تلاش‌های شیخ محمد خیابانی برای ایجاد ژاندارمری در آذربایجان؛ تأثیر انقلاب روسیه بر ژاندارمری و همسویی فعالیت‌های ژاندارمری ایران با اهداف شوروی؛ شرکت افسران ژاندارم در کار کمیسیون نظامی انگلیس و ایران که براساس مفاد قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس و ایران برپا شده بود و ناراضی‌تانی افسران ایرانی از قرارداد ۱۹۱۹؛ دعوت سید حسن مدرس از افسران ژاندارمری و قزاق در

همایشی در اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹؛ روابط بین سیدضیاءالدین طباطبایی با افسران ژاندارم و دفاع از ژاندارمری در روزنامه رعد که وابسته به جناح سید ضیاء بوده است؛ درگیری‌های بین ژاندارمری و نیروهای قزاق و تعدیل این درگیری‌ها در سال‌های ۲۰-۱۹۱۹؛ نقش افسران ژاندارمری در کودتای ۱۲۹۹ و تحت نفوذ قرار گرفتن ژاندارمری توسط لشکر قزاق با ترفندهای رضاشاه در اواخر سال ۱۳۰۰/۱۹۲۱ از دیگر مطالب آورده شده در این فصل کتاب است. مؤلف در پایان فصل عنوان می‌کند که انقلاب مشروطه دو نهاد مجلس و ژاندارمری دولتی را به‌وجود آورد که نه تنها در سرتاسر این دوره باقی ماندند بلکه با ثبات بخشیدن به فعالیت سیاسی رادیکال و تأمین یک کانون و ابزار برای آن، در مبارزه ملی نیز نقش مهمی ایفا کردند. مجلس و ژاندارمری هر دو در تداوم و پیوند بین تلاش‌های دولت‌سازی دوره مشروطه و سال‌های پس از جنگ و اوایل عصر پهلوی نیز نقش داشتند. افسران ژاندارم به این دریافت رسیده بودند که هم به صورت فردی و هم جمعی توانایی رهبری ملی را دارند، اما آن‌ها در کودتای ۱۲۹۹/۱۹۲۱ به عنصری تابع تبدیل شدند.^{۱۷}

فصل پنجم کتاب مقاله مارتین فان بروئینسن در مورد اسماعیل آقا سیمکو؛ جنگ‌سالار کرد در مرز ترکیه و ایران در اوایل قرن بیستم است.

نویسنده در ابتدای فصل عنوان می‌کند که در جریان جنگ جهانی اول و چند سال نخست پس از جنگ، اسماعیل آقا معروف به سیمکو، رئیس ایل بزرگ شکاک؛ در نواحی مرزی ایران و ترکیه فعالیت می‌کرد. سیمکو از فرصت‌ها و امکاناتی که از وضعیت پراشوب منطقه در جنگ جهانی اول به‌وجود آمده بود، استفاده کرد. او در طول جنگ با ترک‌ها، روس‌ها، ایرانی‌ها و بعداً انگلیسی‌ها تماس منظم داشت و پس از جنگ خود را به‌عنوان یک فرمانروای مستقل محلی معرفی کرد. در اوت ۱۹۲۲/مرداد ۱۳۰۱ ارتش نوسازی شده‌ی ایران، شورش او را درهم شکست و او از خاک ایران فرار کرد.^{۱۸} مؤلف در ادامه فصل به قلمرو ایل شکاک؛ حضور نیروهای مسیحیان سنطوری در منطقه ارومیه؛ دعوت سیمکو از سراسقف مارستمون رهبر مذهبی سطوریان بر مذاکره و کنش سراسقف و همراهانش؛ ارتباط انگلیسی‌ها با سطوریان ارومیه؛ روابط در حال تغییر ایلات کرد و دولت‌های مطبوعشان؛ تقسیم امارت‌های کرد به شاخه‌های طرفدار ترک‌ها، طرفدار ایرانی‌ها در قرن نوزدهم، طرفداران انگلیس و طرفداران روسیه؛ بیان ساختارهای امارت، اتحادیه، ایل و روابط آن‌ها با یکدیگر؛ روابط بین ایلات و جمعیت غیرایلاتی در جامعه کرد؛ روابط مسلمانان و مسیحیان در منطقه مرزی بین ایران و ترکیه و دخالت قدرت‌های اروپایی در این روابط؛ پان‌اسلامیسم و ملی‌گرایی کرد؛ سیمکو و اتحادیه شکاک و نقش سیمکو در رهبری ایل شکاک؛ تقسیمات درونی ایل شکاک؛ مناسباتی که سیمکو با دیگر ایلات کرد از طریق روابط سیاسی و پیوندهای خانوادگی برقرار کرده بود؛ روابط سیمکو با آسوری‌های سطور؛ سوء قصد به جان سیمکو از طریق مکرململک‌والی تبریز؛ شورش سیمکو علیه حکومت مرکزی؛ مبارزات سیمکو با نیروهای انتظار فرمانده نظامی تبریز و شکست اولیه سیمکو از نیروهای انتصار که فرماندهی‌شان را فیلیپوف افسر قزاق روس برعهده داشت؛ ناآرامی‌هایی که سیمکو در ایلات غربی و شمال غربی ایران به‌وجود آورده بود و شکست نیروهای سیمکو در اوت ۱۹۲۲/مرداد ۱۳۰۱ به دلیل عملیات بسیار هماهنگ ارتش ایران و فرار به ترکیه و عراق و گله‌مندی او از انگلیسی‌ها و ترک‌ها به‌خاطر عدم کمک به او در نبرد با ارتش ایران، به صورت مفصل می‌پردازد.^{۱۹} تلاش‌های دوباره سیمکو در عراق و ترکیه؛ ارتباط دوباره سیمکو با پناهندگان آسوری در عراق؛ دستور عفو رضاخان

در مورد سیمکو و بازگشت دوباره او به ایران در سال ۱۹۲۴؛ تلاش‌های نافرجام سیمکو در سال ۱۹۲۶ و فرار دوباره او به عراق؛ دعوت دولت ایران از سیمکو برای بازگشت به ایران و قبول کردن فرمانداری اشنویه در سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹ و کشته شدن او و سازمان نیروهای سیمکو و نقاط قوت و ضعف این سازمان از دیگر مطالب آورده شده در این فصل از کتاب است.^{۲۰} نویسنده در پایان فصل عنوان می‌کند که در زمان تنگی و گرفتاری حتی نزدیک‌ترین متحدان سیمکو را تنها گذاشتند. بر این اساس بود که عمروخان، رئیس طوایف کردار و رقیب اصلی بالقوه‌ی سیمکو در میان ایل شکاک، که در بسیاری موارد نماینده تام‌الاختیار سیمکو بود، در سال ۱۹۲۲ او را ترک کرد. سیمکو نه‌تنها در پی جلب حمایت ایلات بود، بلکه می‌کوشید با قدرت‌های خارجی نیز متحد شود. اما هنگامی که او به شدت نیازمند بود، هیچ کدام از قدرت‌های خارجی به حمایتش برخاستند.^{۲۱}

فصل ششم کتاب مقاله دکتر محمد علی همایون کاتوزیان در مورد روایت احمد کسروی از قیام شیخ محمد خیابانی است. نویسنده در ابتدای فصل عنوان می‌کند که کمی پیش از جنگ جهانی اول؛ کشور چه در مرکز و چه در ولایات گرفتار آشوب و هرج و مرج بود. وثوق‌الدوله با حمایت عملی انگلیس رئیس‌الوزرا شد. تقریباً همه برجستگان سیاسی، همین‌طور اکثر مردم، بر این نظر بودند که تا یک دولت مقتدر اصلاح‌گر در مرکز سرکار نیاید کشور با خطر جدی چندپارگی روبه‌روست و فقط یک دولت مقتدر با سازماندهی یک نیروی نظامی متحد، منضبط و مجهز می‌تواند نظام مالی کشور را از نو سرو سامان دهد و آشوب و بی‌نظمی را فرو نشاند. در این سال‌ها برخی از دولتمردان مخالف صدارت وثوق‌الدوله، به‌خاطر ارتباطش با انگلیسی‌ها بودند، اما بسیاری از آن‌ها تصدیق می‌کردند که سیاستمدارانی که از عهده این کار برآیند، انگشت‌شمارند. شاه در مرداد ۱۲۹۷ با انتخاب وثوق‌الدوله موافقت کرد.^{۲۲} مؤلف در ادامه، قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق‌الدوله که ابتکار لرد کرزن وزیر امور خارجه انگلیس بود، مخالفت روسیه بلشویک با قرارداد ۱۹۱۹ و مخالفت جنگلی‌ها به قرارداد ۱۹۱۹ را مطرح می‌کند و به دست‌نوشته احمد کسروی در مورد قیام شیخ محمد خیابانی می‌پردازد.^{۲۳} روایت کسروی از خیابانی که به تفصیل به آن پرداخته شده است؛ عازم قفقاز شدن خیابانی، بازگشت شیخ محمد خیابانی به تبریز؛ ریشه‌های قیام خیابانی؛ پیش‌درآمد قیام؛ آغاز قیام در

آنچه در دریافت از مفهوم ملت - دولت عمدتاً نادیده گرفته می‌شود این واقعیت است که ساختار یک موجودیت سرزمین معین و یا آنچه معمولاً از آن به‌عنوان ساختار ملت - دولت یاد می‌شود، غالباً دارای اجزای لازم دیگر به‌جز پیوندهای قومی و زبانی نیز هست

منارعه قدرت‌ها



به مراتب کمتری برخورد کند، هرچند واکنش متفاوت آن‌ها پیامدهای متفاوتی برای خودشان داشت.^{۲۵} قیام خیابانی گوشه دیگری از تاریخ طولانی و پر آشوب صحنه سیاسی ایران پس از انقلاب مشروطه است. در فروردین ۱۲۹۹ شیخ محمد خیابانی قیام بدون خونریزی دموکرات‌های تبریز را رهبری کرد و اداره آذربایجان را برعهده گرفت. در شهریور همان سال قیام به همان آسانی که شروع شده بود، سرکوب شد.

فصل هفتم کتاب مقاله تورج اتابکی در مورد پان‌ترکیسم و ملی‌گرایی ایرانی است. مؤلف در ابتدای فصل عنوان می‌کند که تاریخ‌نگاری قرن بیستم در مورد رابطه‌ی ملت - دولت و ملی‌گرایی تا حد زیادی بر مبنای گفت‌وگو قومی - زبانی اروپا محور شکل گرفته است که در آن قومیت و زبان محور و به طرز فزاینده‌ای معیار تعیین‌کننده یا حتی تنها معیار شمرده می‌شود. اما آنچه در این دریافت از مفهوم ملت - دولت عمدتاً نادیده گرفته می‌شود این واقعیت است که ساختار یک موجودیت سرزمین معین و یا آنچه معمولاً از آن به‌عنوان ساختار ملت - دولت یاد می‌شود، غالباً دارای اجزای لازم دیگر به‌جز پیوندهای قومی و زبانی نیز هست. تصورات مشترک، وفاداری سیاسی، بازسازی و بازتفسیر تاریخ و ابداع سنت‌های تاریخی لازم برای توجیه و انسجام بخشی به دولت مدرن درحال ظهور، همه این‌ها غالباً در گرد هم آوردن گروه‌های مردم و تقویت یا حتی شکل‌دهی به حس هویت مشترک و یکپارچگی سیاسی آن‌ها عوامل مهمی هستند. تا آن‌جا که به ایران مربوط می‌شود، معمولاً از این نظر دفاع می‌شود که ملی‌گرایی ایران به مثابه یک ایدئولوژی دولتی در عصر رضاشاه زاده شد و مبتنی بر ملی‌گرایی زبانی - تاریخی و نتیجه موفقیت او در ایجاد یک ملت - دولت مدرن در ایران بود. اما آنچه اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد آن است که ملی‌گرایی ایرانی در خیزش‌های سیاسی قرن نوزدهم و سال‌های پس از انقلاب مشروطیت ریشه

شانزدهم فروردین ۱۲۹۹؛ گزارش‌های ویژه‌ای که ادموند به سرپرستی سایکس وزیر مختار انگلیس در تهران درباره گفت‌وگویش با خیابانی در اول ماه مه ۱۹۲۰ / یازدهم اردیبهشت ۱۲۹۹ فرستاد؛ روابط شیخ محمد خیابانی با عاملین حکومت که از تهران در دوره کابینه‌های مختلف به تبریز فرستاده می‌شدند؛ فرستاده شدن مخبرالسلطنه به والیگری تبریز از طرف کابینه مشیرالدوله؛ بیوگرافی مخبرالسلطنه هدایت و روابط او با شیخ محمد خیابانی؛ عکس‌العمل مردم تبریز به کشته شدن شیخ محمد خیابانی؛ برخورد مخبرالسلطنه با یاران و همراهان شیخ محمد خیابانی بعد از کشته شدن او؛ ترجیح بند طولانی و پرشور ملک‌الشعرای بهار در مورد شیخ محمد خیابانی از دیگر مباحث آورده شده در این فصل از کتاب است که بیشتر آن‌ها از دست‌نوشته کسروی گرفته شده است.^{۲۶} نویسنده در پایان فصل تحت عنوان ارزیابی مختصر از قیام خیابانی عنوان می‌کند که از مدارک جدید آشکار است خیابانی جدایی‌خواه نبود و از طرفداری بلشویسم به دور بود. او رهبری سختگیر و فره‌مند بود که وظیفه نخستش را ریشه‌کنی هرج و مرج و آشوب در ایالت می‌دانست، وظیفه‌ای که کوشید با کاردانی و زیرکی، همچنین استواری و قاطعیت آن را به‌عنوان گامی ضروری به سوی مدرن‌سازی به انجام رساند. او مردی پایبند به اصول بود، اما عمل‌گرای نیز بود. دل‌مشغولی اصلی‌اش، دست‌کم در آن زمان، آذربایجان بود. اگر وثوق‌الدوله می‌کوشید خیابانی را به زور براندازد، مقاومت مردمی شدیدی با پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی صورت می‌گرفت؛ در تهران و جاهای دیگر نیز سر و صدای زیادی به‌پا می‌شد. ضعف مشیرالدوله به‌عنوان یک مشروطه‌خواه جدی نقطه‌ی قوت او هم بود. بدین‌نحو که او به‌عنوان رئیس‌الوزاری که نزد مردم مقبولیت داشت توانست هم با میرزا کوچک‌خان و هم با شیخ محمد خیابانی با دردمس

و ایجاد ملی‌گرایی در ایران، به صورت مفصل می‌پردازد.^{۲۷} مؤلف در پایان و در نتیجه‌گیری عنوان می‌کند که مهم‌ترین تحولات سیاسی آغاز قرن بیستم در خاورمیانه از بین رفتن امپراتوری روسیه و عثمانی بود و فکر یک وطن بزرگ برای همه‌ی ترک‌ها که پان‌ترکیسم مبلغش بود تقریباً بی‌درنگ، به‌عنوان یک ستون اصلی ایدئولوژیکی، مورد پذیرش کمیته اتحاد و ترقی و مدتی بعد سایر گروه‌های سیاسی امپراتوری عثمانی قرار گرفت. جالب آن است که از آذربایجانی‌های ایران نیز درخواست شد که به این وطن پان‌ترکیستی بپیوندند. برخلاف مقاصد پان‌ترکیست‌ها، گروهی از روشنفکران آذربایجانی به پسر و صداترین طرفداران تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران تبدیل شدند. از نظر این روشنفکران تضمین تمامیت ارضی نخستین گام ضروری در مسیر برقراری حاکمیت قانون در جامعه و تشکیل حکومت مدرن و کارآمد بود که حقوق فردی و جمعی را پاس بدارد. در این بافت بود که وفاداری سیاسی آن‌ها بر دیگر بستگی‌های قومی و منطقه‌ای غالب آمد.^{۲۸}

فصل هشتم کتاب مقاله الیور باست در مورد شورای تبلیغات بین‌المللی و تأسیس حزب کمونیست ایران است. این مقاله حاصل یک سفر پژوهشی نگارنده به مسکو در جست‌وجوی منابع مربوط روابط ایران و روسیه طی جنگ جهانی اول و بلافاصله پس از آن است. نویسنده عنوان می‌کند که به‌هنگام کار در آرشیوهای کمینترن از نقش خاصی آگاه شدم. یک آژانس بلشویکی به‌نام شورای تبلیغات بین‌المللی (sorinter prop) که تاکنون کم‌تر شناخته شده، این نقش را ایفا کرد. مقاله‌ی حاضر فعالیت‌های این شورا را در ایران پی می‌گیرد که به نوبه‌ی خود با موضوع بحث‌برانگیز تاریخ اولیه حزب کمونیست ایران ارتباط مستقیم دارد. نویسنده در ادامه فصل عنوان می‌کند که در ۲۵ فوریه ۱۹۲۰ **شالوازورابوویچ الیوا**، رئیس کمیسیون امور ترکستان (Turkomijsiya) مستقر در تاشکند، تلگرافی برای دبیر کمیته اجرایی کمینترن فرستاد و به او اطلاع داد که: ۱- شورای تبلیغات بین‌المللی که اخیراً از سوی «کمیسیون امور ترکستان» تأسیس شده یک ارگان کمینترن نیست. ۲- شورای تبلیغات بین‌المللی هم فعالیت‌های حزب کمونیست ایران، به‌نام «عدالت» را زیرنظر خواهد داشت و هم فعالیت‌های حزب کمونیست بخارا راه، در ضمن بخش‌های تبلیغاتی برای چین، ترکیه و خبوه خواهد داشت. ۳- رفقای زیر اعضای شورا به شرح زیر بودند: صبحی، سلطان‌زاده، علیخانوف، برویدو، هلر و شخص دیگری که نامش ناخواناست. ۴- صبحی در مقام عضو کمیته اجرایی کمینترن در شورا حضور نداشت. تثبیت بلشویسم در ترکستان؛ بلشویک‌ها و پیدایش جنبش کمونیستی شرق؛ امضای فرمان تشکیل کمیسیون ویژه امور ترکستان در هشتم اکتبر ۱۹۱۹ توسط لنین؛ کشمکش بین کمیسیون ویژه امور ترکستان و کمونیست‌های مسلمان محلی؛ تشکیل خلق در امور ملل به ریاست استالین و شاخه‌های فرعی آن که یکی از آن‌ها به‌نام موسکوم مربوط به مسلمانان بود؛ تشکیل دفتر مرکزی برای سازمان‌های کمونیستی خلق‌های خاور «موسیورو» که یکی از وظایف آن سازماندهی حزب کمونیست در میان جمعیت مسلمانان در روسیه



دارد و در این دوره بود که ایران‌گرایی به‌مثابه نوعی گفتمان دفاعی برای ایجاد یک موجودیت معین سرزمین «ایران ناب» سر برکشید در برابر همه‌ی موجودیت‌های دیگر به تدریج شکل گرفت. در نتیجه طی زمان در میان روشنفکران کشور نوعی بیگانه‌هراسی سیاسی پدیدار شد که به شکل‌گیری ملی‌گرایی دفاعی ایرانی کمک کرد.^{۲۹} نویسنده در ادامه، به استبداد صغیر و نقش آذربایجان در پاسداری از انقلاب مشروطه؛ اعلام بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول؛ ورود عثمانی به جنگ جهانی اول؛ پان‌ترکیسم و دلایل مطرح شدن این ایده و واکنش ایران به آن؛ انجمن‌ها و روزنامه‌هایی که برای تبلیغ پان‌ترکیسم در عثمانی و خارج از مرزهای آن تبلیغات انجام می‌دادند؛ رویکرد دولت روسیه تزاری به پان‌ترکیسم؛ انقلاب ۱۹۱۷ و تأثیر آن در روند پان‌ترکیسم؛ نقش انجمن مساوات در حوادث تاریخی قرن بیستم و پرداختن به موضوع آذربایجان ایران؛ فعالیت‌های حزب دموکرات ایران در باکو و انتشار روزنامه دوزبانه به نام آذربایجان جزء لاینفک ایران که از دهم فوریه ۱۹۱۸ شروع به انتشار کرد؛ آوردن مباحث روزنامه آذربایجان جزء لاینفک ایران در مورد نشان دادن گذشته‌ی پرافتخار و شکوهمند ایران و تداوم تاریخی آن و همچنین جلوگیری از هر کوششی به منظور تضعیف خودآگاهی ملی ایرانیان و نقش آذربایجان و جایگاه مهم آن در تاریخ ایران؛ بازگشت عثمانی‌ها از جبهه‌های جنگ با روسیه بعد از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و شرع دوبار سیاست پان‌ترکیستی در عثمانی و مناطق اطراف؛ عدم دستیابی عثمانی‌ها به موفقیت در زمینه تبلیغات پان‌ترکیستی در آذربایجان ایران و شکست آن‌ها در اجرای این سیاست به خاطر عدم همکاری مردم و احزاب سیاسی محلی و حزب دموکرات آذربایجان؛ مناسبات شیخ محمد خیابانی با عثمانی‌ها و عدم پذیرش سیاست‌های عثمانی توسط خیابانی در آذربایجان و تلاش‌های نشریه ایرانشهر که در برلین منتشر می‌شد برای نفی پان‌ترکیسم

استفاده مؤلفان کتاب از منابع دسته اول، روزنامه‌ها، اسناد و صورت مذاکرات مجلس که این کتاب از این لحاظ در نوع خود کم‌نظیر است و مؤلفان با دسترسی به آرشیوهای مختلف، توانسته‌اند متن قابل‌قبولی در اختیار مطالعه‌کننده‌ی کتاب قرار دهند

منازعه قدرت‌ها

بود؛ ساختار تشکیلاتی شورای تبلیغات بین‌المللی و فعالیت‌های آن در ایران و شعبات رسمی‌اش در تاشکند، پلوتوراتسک (عشق‌آباد)؛ چارچوی، مرو، اندیجان، کراسنو و ودسک و حصار کند از دیگر مطالب آورده شده در این فصل کتاب است.^{۳۹} نویسنده همچنین به بخش ایران شورای تبلیغات بین‌المللی می‌پردازد و از تلاش‌های سلطان‌زاده برای تأسیس یک حزب کمونیست ناب ایرانی برای ایران سخن به میان می‌آورد و عنوان می‌کند که سلطان‌زاده و رفقاییش کوشیده‌اند از شورای تبلیغات بین‌المللی به مثابه سکوی پرشی برای تأسیس یک حزب کمونیست ناب ایرانی استفاده کنند. آن‌ها سازمان خود را حزب کمونیستی در میان دیگر احزاب کمونیست محسوب می‌کردند که اگر قرار است به کسی پاسخگو باشد، مستقیماً به مسکو (یعنی شخص لنین و کمینترن) و نه به هیچ‌وجه به باکو پاسخگو باشد و در اسنادی که شاکری به تازگی به آن‌ها دست یافته است، شواهد بیشتری برای این ذهنیت کاملاً مستقل و ضدباکویی سلطان‌زاده وجود دارد.^{۴۰} نقش حیدرخان و رقابت او با سلطان‌زاده در شورای تبلیغات بین‌المللی؛ تشکیل یک واحد نظامی سرخ ایران موسوم به بریگاد بین‌المللی ایرانی و نقش حیدرخان در این واحد؛ فعالیت شاخه‌ی پلوتوراتسک شورای تبلیغات بین‌المللی در خراسان و نقش الله وردی خان در این شورا و همکاری او با شورای تبلیغات بین‌المللی؛ عملکرد الله‌وردی خان و دلایل ناکامی او در شورای تبلیغات بین‌المللی و سرانجام دستگیر و اعدام شدن او در اواخر آوریل ۱۹۲۱ / اوایل اردیبهشت ۱۳۰۰ از دیگر مطالب آورده شده در این فصل از کتاب است.^{۴۱} نویسنده در پایان فصل به پایان کار شورای تبلیغات بین‌المللی و کنار گذاشتن سلطان‌زاده از صحنه شورا می‌پردازد و عنوان می‌کند که با افتادن آذربایجان به دست بلشویک‌ها در ۲۷ آوریل ۱۹۲۰ و پیاده‌شدن شوروی در انزلی در هیجدهم سه ۱۹۲۰، مرکز ثقل تبلیغات بلشویکی در شرق به تدریج به باکو انتقال یافت و شورای تبلیغات بین‌المللی در تاشکند به حاشیه رانده شد. پیش از آن، در مه ۱۹۲۰ مصطفی صبحی صدر این شورا عازم باکو شده بود تا آن‌جا که به رهبران ایرانی این شورا، سلطان‌زاده و علیخانوف مربوط می‌شود. آن‌ها احتمالاً از پی ناوگان شوروی وارد ایران شدند. به‌هنگام اقامت در تاشکند وضعیت را درست ارزیابی کرده بودند، توانستند در کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که در اواخر ژوئن ۱۹۲۰ در انزلی

کنگره‌ی مؤسسان خود را برگزار کرد، مقام رهبری کسب کنند. برخی عقیده داشتند که از طریق بلشویکی کردن جنبش گیلان می‌توان آتش انقلاب را در تمامی کشور شعله‌ور ساخت. رهبران بلشویک در دفتر قفقاز حزب کمونیست روسیه و همکاران آذربایجانشان در رأس حزب کمونیست آذربایجان، ظاهراً به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران دستور داده بودند که جنبش را حتی به بهای رویگردان کردن رهبر آغازین جنبش جنگل، میرزا کوچک‌خان و جناحش، رادیکالیزه کنند. در پاییز ۱۹۲۰ که آشکار می‌شد این سیاست شکست خورده است، تقصیر را به گردن سلطان‌زاده انداختند. آن‌ها طی نخستین کنگره خلق‌های شرقی (اول تا هشتم) سپتامبر ۱۹۲۰، کمیته مرکزی جدیدی از افراد وفادار تشکیل دادند که قرار شد حیدرخان رهبری آن را برعهده گیرد. اگر چه سلطان‌زاده از موضعش با قدرت دفاع کرد، دشمنانش سرانجام موفق شدند او را از سر باز کنند. کمیته مرکزی جدیدی کار خود را شروع کرد و سلطان‌زاده در مقام عضو کمیته اجرایی کمینترن به مسکو انتقال یافت.^{۴۲}

درباره‌ی کتاب

یادداشت‌های هر فصل به صورت جداگانه آمده و نمایه‌ی کتاب پایان بخش کتاب حاضر است.^{۴۳} کتاب دارای نقاط قوت و ضعفی است که به صورت اختصار به مواردی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف - برخی نقاط قوت

- ۱- متخصص بودن نویسندگان در زمینه‌ی تحقیقی که به انجام رسانده‌اند؛
- ۲- استفاده مؤلفان کتاب از منابع دسته اول، روزنامه‌ها، اسناد و صورت مذاکرات مجلس که این کتاب از این لحاظ در نوع خود کم‌نظیر است و مؤلفان با دسترسی به آرشیوهای مختلف، توانسته‌اند متن قابل‌قبولی در اختیار مطالعه‌کننده‌ی کتاب قرار دهند؛
- ۳- استفاده از روش تحقیق پیشرفته. هرچند در ابتدای هر مقاله عنوان، چکیده، مقدمه و در پایان برخی از آن‌ها نتیجه‌گیری نیامده است؛ اما خواننده کتاب به‌خوبی تمام اجزای تحقیق را در متن مقاله به وضوح مشاهده می‌کند؛
- ۴- ترجمه روان، ساده و بسیار متبحرانه مترجم به کتاب غنای خاصی

مذاکرات مجلس کمتر استفاده شده است و استفاده بیشتر نویسندگان این منابع دست اول فارسی بر غنای کتاب می‌افزود؛
 ۶- برخی از فصول کتاب با طرح موضوعاتی بزرگ خیلی خلاصه‌وار از حوادث تاریخی گذشته‌اند که این مهم برای تحصیل‌کننده تاریخ در داخل ایران در سطح عالی و همچنین اساتید تاریخ ایران قانع‌کننده نیست.

پی‌نوشت

- ۱- اتابکی، تورج، ایران و جنگ جهانی اول میدان نبرد قدرت‌های بزرگ، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۷، ص ۱۰.
- ۲- همان، ص ۱۶.
- ۳- همان، ص ۲۰.
- ۴- همان، ص ۲۲.
- ۵- همان، ص ۲۳ و ۲۴.
- ۶- همان، ص ۳۱-۲۵.
- ۷- همان، ص ۳۸-۳۱.
- ۸- همان، ص ۴۱-۳۸.
- ۹- همان، ص ۵۰-۴۹.
- ۱۰- همان، ص ۵۶-۵۱.
- ۱۱- همان، ص ۵۶.
- ۱۲- همان، ص ۷۰-۵۷.
- ۱۳- همان، ص ۷۰.
- ۱۴- همان، ص ۷۳.
- ۱۵- همان، ص ۱۰۰-۷۴.
- ۱۶- همان، ص ۱۰۱ و ۱۰۰.
- ۱۷- همان، ص ۱۰۸-۱۰۲.
- ۱۸- همان، ص ۱۰۹.
- ۱۹- همان، ص ۱۴۲-۱۱۰.
- ۲۰- همان، ص ۱۴۴-۱۴۲.
- ۲۱- همان، ص ۱۴۶-۱۴۴.
- ۲۲- همان، ص ۱۵۲-۱۵۱.
- ۲۳- همان، ص ۱۵۵.
- ۲۴- همان، ص ۱۸۶-۱۵۵.
- ۲۵- همان، ص ۱۸۷ و ۱۸۶.
- ۲۶- همان، ص ۱۹۰ و ۱۸۹.
- ۲۷- همان، ص ۲۱۰-۱۹۱.
- ۲۸- همان، ص ۲۱۱.
- ۲۹- همان، ص ۲۲۶-۲۱۴.
- ۳۰- همان، ص ۲۲۹.
- ۳۱- همان، ص ۲۳۸-۲۲۶.
- ۳۲- همان، ص ۲۳۹-۲۳۸.
- ۳۳- همان، ص ۳۰۸-۲۴۳.

- بخشیده است و به اشتیاق خواننده جهت مطالعه کتاب می‌افزاید؛
 ۵- بیان مفاهیم تحقیق که در بیشتر فصول کتاب آورده شده است به مطالعه‌کننده در فهم بهتر مطالب فصول کمک شایانی می‌کند؛
 ۶- ویرایش دقیق و عالمانه‌ی کتاب؛
 ۷- نزدیک بودن موضوع خیلی از مقاله‌ها از نظر محتوایی و زمانی به خواننده در فهم مطالب کتاب کمک شایانی می‌کند و برخی از مقاله‌ها تکمیل‌کننده برخی دیگر در فهم مطالب می‌توانند باشند؛
 ۸- یادداشت‌های کتاب که در پایان کتاب آمده است به خواننده در فهم بهتر کتاب کمک شایانی می‌کند؛
 ۹- در یادداشت‌های فصل ششم کتاب، مؤلف مقاله منابع دست اول و دوم زیادی به زبان لاتین در مورد تاریخ ایران در جنگ جهانی اول می‌آورد، که در نوع خود جالب توجه است؛
 ۱۰- نوآوری کتاب در زمینه موضوع مقاله‌ها جالب توجه است. برخی از فصول کتاب برای اولین بار موضوعاتی را مطرح می‌کنند که پیش از این ما کمتر شاهد این مباحث در تاریخ معاصر ایران به صورت موشکافانه هستیم؛
 ۱۱- پرداختن مؤلفان مقالات به روایاتی تاریک از تاریخ ایران با استفاده از اسناد خارجی که در ایران این اسناد منتشر نشده و دسترسی مؤلفان داخلی به آن‌ها کار آسانی نیست، در نوع خود جالب توجه است؛
 ۱۲- وفاداری به تاریخ‌نگاری و بی‌طرفی مؤلفان برخی از فصول کتاب؛
 ۱۳- بررسی گوشه‌های تاریک روابط خارجی ایران در سال‌های جنگ جهانی اول.
 در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که علاوه بر موارد اشاره شده به‌عنوان نقاط قوت کتاب، کتاب حاضر نقاط قوت زیاد دیگری به ویژه از نظر محتوایی دارد که ممکن است آورده نشده باشد.
 ب- نقاطی که نمی‌شود بر آن‌ها نقطه ضعف کتاب گذاشت ولی اگر نویسندگان فصول کتاب و مترجم این اثر آن‌ها را اعمال می‌کرد بر غنای بیشتر کتاب افزوده می‌شد که این نکات عبارتند از:
 ۱- سازماندهی تحقیق در این کتاب از لحاظ تقسیم کتاب به فصل، بخش و گفتار به‌خوبی رعایت نشده است و گردآورنده کتاب می‌توانست علاوه بر عناوین اصلی کتاب، که به عنوان فصول کتاب هستند به آوردن عناوین فرعی ذیل در فصل نیز بپردازد که به خواننده در مطالعه کتاب کمک شایانی می‌کرد؛
 ۲- نمایه کتاب بسیار مختصر آورده شده است و جای بسیاری از واژگان در نمایه کتاب خالی است؛
 ۳- علی‌رغم اینکه برخی مقالات کتاب ممکن است در فهم موضوع مکمل همدیگر باشند ولی در برخی موارد تکرار مطلب در فصول کتاب مشاهده می‌شود؛
 ۴- در برخی از موارد گردآورنده‌ی کتاب می‌توانست با آوردن سال هجری قمری تا قبل از ۱۳۰۴ هـ.ش، در کنار سال میلادی مطالعه‌کننده‌ی فارسی زبان کتاب را در کرونولوژی تاریخی حوادث کمک کند؛
 ۵- در برخی از فصول کتاب از منابع دست اول فارسی که تعداد آن‌ها در دوره‌ی معاصر کم هم نیستند به ویژه در زمینه نشریات و صورت